

درس دوازدهم – اتفاق ساده

قیصر امین پور ، شاعر و نویسنده ی معاصر استاد دانشگاه بود . اشعار و ترانه های زیبایی از او بر جای مانده است .

مهدی آذر خرمشاهی معروف به آذر یزدی نویسنده ی معاصر و از پایه گذاران ادبیات کودک و نوجوان ایران است . مهم ترین آثار او عبارتند از قصه های خوب برای بچه های خوب ، قصه های مثنوی مولوی و

عبدالرحمان جامی شاعر قرن نهم هجری قمری است . یکی از مهم ترین اثر او کتاب بهارستان می باشد

واژگان :

لاشه : جسد سرایت کند : منتقل شود غلتید : غلت خورد بی صدا : ساکت	سطر : یک خط از نوشته حسرت خوردن : افسوس داشتن حسرت: اندوه شوق : خوش حالی – شادی
صمیمی : یکدل – همدل از گوشه چشم نگاه کردن : پنهانی نگاه کردن اسرار : جمع سر – رازها اکنون : حالا	حومه : اطراف مختصر : کم – کوتاه پاسبانی : نگهبانی – پاسداری – مراقبت مثل : مانند گمان : خیال

هم خانواده :

توصیف : وصف ظلم : ظالم – مظلوم انتخاب: منتخب	مثل: مثال – امثال شوق : اشتیاق تولد : متولد حفظ : حافظ – محفوظ
--	---

مخالف

زنده : مرده آخر : اول ساده : سخت پنهان : آشکار	جنوب : شمال خندید : گریه کرد مختصر : طولانی راضی : ناراضی ناپسند : پسندیده
---	--

کلمات املائی

محله – خرمشاه – محل تولد – حومه ی شهر – مختصر – وضع خوب – عادت – متولد – حضرت – پهلوی – متوجه – پنهان – ناپسند – اسرار – شخص –
--

یک اتفاق ساده

- آن روز شیشه ها را باران و برف می شست من مشق می نوشتم ، پروانه ظرف می شست
- آن روز که باران و برف می آمد و انگار شیشه ها را می شست مشق هایم را می نوشتم و پروانه ظرف می شست
- وقتی که نامه ات را مادر برای ما خواند باران پشت شیشه آرام و بی صدا ماند

وقتی مادر نامه ات را برای ما خواند انگار همه بی صدا شدند و حتی باران می خواست نامه ات را گوش کند

- در آن نوشته بودی حال تو خوب خوب است گفتی که سنگر ما در جبهه جنوب است

در نامه نوشته بودی که حالت خوب است و سنگر شما در جبهه جنوب کشور است

- گفتی که ما همیشه در سایه خداییم گفتی که ما قرار است این روزها بیاییم

گفتی که زیر سایه حمایت و لطف خدا هستیم و قرار است به زودی برگردیم

- از شوق سطر آخر مادر بلند خندید چشمان مهربانش برقی زد و درخشید

از این خطر آخر مادر خیلی خوشحال شد و بلند خندید چشمانش از خوشحالی برق زد

- یک قطره شبنم از گوش بر روی برگ غلتید یک قطره روی شیشه مثل تگرگ غلتید

یک قطره شبنم از روی گلبرگ گل روی برگ افتاد یک قطره باران مانند تگرگ به شیشه خورد و گل خورد

- یک قطره از دل من بر روی دفتر افتاد یک اتفاق ساده در چشم مادر افتاد

یک قطره اشک از اعماق دلم از چشمم روی دفتر افتاد مادر خیلی راحت اشک در چشمانش جمع شد

- بارا پشت شیشه آمد به خانه ی ما آرام دست خود را می زد به شانه ی ما

انگار باران پشت شیشه به خانه ی ما آمده بود دست خود را به روی شانه ما می زد و او هم خوشحال بود

دانش زبانی :

بعضی جملات کلمه هایی دارند که توضیحی درباره اسم قبل از خود می دهد .

پدر به من یک کتاب زیبا داد . در این جمله کلمه زیبا توضیحی درباره کتاب داده است . به این واژه ها صفت گفته می شود .

صفت کلمه ای است که درباره اسم قبل از خودش توضیحی می دهد .

به نمودار زیر دقت کنید .

معلم مهربان رفت .

کلمه مهربان درباره کلمه ی قبل از خود توضیحی می دهد .

- با اضافه کردن است به دو کلمه و در صورت معنی دادن آن می توانید صفت را شناسایی کنید.

معلم مهربان معلم مهربان است . مهربان صفت است .

معلم من معلم من است . من صفت نیست .

نکات نگارشی :

تصور کنید می خواهید با توجه به یک تصویر از زبان یک پرنده متنی بنویسید .

- به جزئیات تصویر (رنگ ، نور ، جهت و حرکت و ...) خوب نگاه کنید

- با انتخاب کلمات مناسب ، احساس و عاطفه ی خود را آشکار کنید .
- نشانه های نگارشی را به کار گیرید .
- پاکیزه و خوش خط بنویسید .

سوالات متن درس

- ۱- معنی واژه های زیر را بنویسید.
 سطر: لاشه : حسرت : سرایت کند :
 غلتید : بی صدا : شوق : معالجه :
- ۲- جمع واژه های زیر را بنویسید .
 ظرف چشم درخت دوست
- ۳- مفهوم بیت های زیر را بنویسید .
 گفتمی که ما همیشه در سایه خداییم
 یک قطره شبنم از گل بر روی برگ غلتید
- ۴- مخالف هر واژه را بنویسید .
 آخر : خندید : ساده : جنوب : روز :
- ۵- هم خانواده هر واژه را بنویسید.
 شوق : توصیف : حفظ : منصور :
- ۶- دو جمله بنویسید که با کلمه زیرا به هم مرتبط شده باشند .
- ۷- کلمه های به هم ریخته را مرتب کنید .
 متولد - شد - کتاب فروشی - خواندن - در - شدم - کتاب - و - آغاز - من - دوباره
- ۸- برای هریک از کلمات زیر چند صفت مناسب بنویسید
 معلم :
 کتابخانه :
- ۹- در متن زیر علایم نگارشی مناسب استفاده کنید .
 سی و پنج ساله بودم که به فکر نوشتن قصه برای کودکان افتادم کتاب های زیادی خوانده بودم که داستان های خوبی داشت
 اما زبان آن ها کودکانه نبود
 من آن داستان ها را به زبان ساده نوشتم و به این ترتیب کتاب قصه های خوب برای بچه های خوب متولد شد

- ۱۰- کلمه های زیر را دسته بندی کنید .
 بهار - رسید - دشت - روستا - شکوفه - قشنگ - خندان - آمد - پیچید
 اسم : فعل : صفت :

۱۱- در کدام گزینه تمام واژه ها هم خانواده نیستند .

الف) شهدا - شاهد - مشهور
ب) مظلوم - ظالم - ظلم

ج) شعر - شاعر - شعرا
ج) قصد - مقصود - قاصد

۱۲- املاى کدام کلمه نادرست است .

الف) حسرت
ب) زغال
ج) مى غلطيد
د) مطمئن

۱۳- در جمله معلم مهربانم امروز به مدرسه آمد صفت را مشخص کنید .

الف) امروز
ب) مدرسه
ج) مهربان
د) آمد

۱۴- کدام گزینه جمع است .

الف) ظرف
ب) اتفاق
ج) اخبار
د) نالان

۷- در کتاب فروشى متولد شدم و کتاب خواندن آغاز من شد.	۱- سطر : خط لاشه : جسد
۸- معلم مهربان - معلم خوش اخلاق کتابخانه بزرگ - کتابخانه زيبا	حسرت : افسوس سرایت کند : منتقل شود غلطيد : غلت خورد بی صدا : ساکت
۹- نقطه - ویرگول - نقطه - گیومه باز - گیومه بسته - نقطه	شوق : اشتیاق معالجه : درمان
۱۰- اسم : بهار - دشت - روستا - شکوفه فعل : رسید - آمد - پیچید صفت : قشنگ - خندان	۲- ظروف - چشمان - درختان - دوستان ۳- توگفتی که ما در پناه خدا هستیم یک قطره شبنم از روی گل روی برگ غلت زد و سر خورد
۱۱- گزینه الف	۴- آخر : اول خندید : گریه کرد
۱۲- گزینه ج	ساده : سخت جنوب : شمال
۱۳- گزینه ج	روز : شب
۱۴- گزینه ج	۵- شوق : اشتیاق توصیف : وصف حفظ : حافظا منصور : ناصر
	۶- او همیشه به کتابخانه می رفت زیرا به مطالعه علاقه ی زیادی داشت .

نام و نام خانوادگی :

آزمون فصل ۵

۱- معنی کلمات زیر را بنویسید.

خشنود : حرفه : لبریز :
اعتقاد : سقا : سطر :

۲- در هر ردیف دور کلمه‌ای که با بقیه فرق دارد، خط بکشید.

معتدل - اعتدال - عدالت - اعتنا

شوق - اشتیاق - تشویق - مشق

قدر - قادر - قدرت - قیام

۳- با کلمات در هم ریخته جمله بسازید .

پیش - مهم - عملیات - رو - خیلی - بود - حساس - و
به - می رفتند - خستگی ناپذیر - نیروها - شجاعت - و - یا - جلو

۴- در متن زیر، دور کلماتی که جمله‌ها را به هم ربط می دهند ، خط بکشید.

می‌گویند من فردا به زمین می‌روم؛ اما من به این کوچکی چگونه می‌توانم برای زندگی به آنجا بروم.

حیاط مدرسه لبریز از مردمی بود که به تماشای آنان آمده بودند؛ زیرا برای مردم باور نکردنی بود که کودکان کم شنوا بتوانند بنویسند و بخوانند.

در جمله‌ی دوم جمله‌ی مفهوم و جمله‌ی دلیل را بنویسید.

جمله‌ی مفهوم:

جمله‌ی دلیل:

۵- کلمات مترادف را در یک دسته قرار دهید.

اختراع، باور، مطمئن، ایمان، قریحه، ذوق، آسوده خاطر، ابداع، استعداد، نوآوری، اعتقاد

۶- در متن زیر کلمات نادرست را پیدا کنید و درست آنها را بنویسید.

دشمن برای نیروهایش دژی تصخیرناپذیر ساخته بود که عراقی‌ها آن را نفوذ ناپذیر می‌دانستند؛ اما با رشادت‌های وسف ناپذیر حسین و هم‌زمانش دژ دشمن شکسته شد. بالگردهای دشمن در تلاش بودند. فرماندهان نضامی را از محلکه نجاب بدهند؛ اما با هدف قرار گرفتن و سقوط یکی از آنها، بقیه فرار را بر غرار ترجیه دادند.

- ۷- جمله های زیر را به ترتیب رویدادها شماره گذاری کنید .
- حضرت عیسی فرمود : چه دندان های سفید و برنده ای دارد .
 - حضرت عیسی فرمود : فقط زشتی ها را نبینید
 - یکی از یاران گفت : چقدر زشت است !
 - حضرت عیسی و همراهانش در راه لاشه سگی را دیدند.

۸- در شعر یک قطره از دل من بر روی دفتر افتاد منظور از قطره چیست ؟

۹- شعر یک اتفاق ساده از کیست ؟

- ۱۰- در هر جمله واژه ای که درباره اسم قبل از خودش توضیح می دهد را پیدا کنید .
- دانش آموزان زرنگ وارد حیاط شدند .
 - بردار خوب من آمد.
 - دوست باهوش من به مدرسه رفت .

۵- اختراع : ابداع - نوآوری مطمئن : آسوده خاطر باور : ایمان - اعتقاد قریحه : ذوق - استعداد	۱- خشنود : راضی لبریز : پر اعتقاد : عقیده - ایمان قیام - مشق - اعتنا عملیات خیلی حساس و مهم پیش رو بود . نیروها با شجاعت و خستگی ناپذیر به جلو می رفتند.
۶- تسخیر ناپذیر - نفوذ ناپذیر - وصف ناپذیر - نظامی - مهلکه - قرار - ترجیح	۲- قیام - مشق - اعتنا ۳- عملیات خیلی حساس و مهم پیش رو بود . نیروها با شجاعت و خستگی ناپذیر به جلو می رفتند.
۷- به ترتیب ۳ - ۴ - ۲ - ۱	۴- اما - زیرا مفهوم : حیاط مدرسه لبریز از مردمی بود که به تماشا آمده بودند .
۸- قطره اشک	دلیل : زیرا برای مردم باور نکردنی بود که کودکان کم شنوا بتوانند بخوانند و بنویسند.
۹- قیصر امین پور	
۱۰- زرنگ - خوب - باهوش	